



.....

قصه های شاهنامه (۱)

(رستم و سهراب)

.....

گردآورنده: محمد حسن شیرازی



شیرازی، محمدحسن. ۱۳۷۵. — القیاس کننده
 رستم و دهراب / نویسنده: محمدحسن شیرازی؛ تصویرگر: حسن
 علی مظاهری. — تهران: پیام مهراب، ۱۳۸۲.
 ۱۳۶ ص. ۲، مصور. — (قصصی از شاهنامه / محمدحسن شیرازی)

[ج] ۱

ISBN: 964 - 7083 - 43 - 2

این کتاب القیاسی از داستانهای شاهنامه فردوسی است.
 فهرستی برپایس اطلاعات فنی.

چاپ قبلی: نشر دانش آموز، ۱۳۷۸.

۱. داستانهای فارسی — قرن ۱۴. الف. فردوسی. ابوالقاسم. ۳۲۹
 — ۵۴۱۶ ق. شاهنامه. برگزیده. ب. مظاهری، حسن. ۱۳۰۲. تصویرگر.
 ج. عنوان: د. عنوان: شاهنامه. برگزیده. ه. فهرست. قصصهای شاهنامه: ج.
 ۱.

۸۶۳/۶۲

PIR ۸۱۳۰ / ۴۶

۱۳۸۲

ج. ۱

۸۲-۲۶۲

کتابخانه ملی ایران



انتشارات پیام مهراب

قصه های شاهنامه (۱)

(رستم و دهراب)

نویسنده: محمد حسن شیرازی

تصویرگر متن: علی مظاهری

چاپ: پیام حق

صحافی: خوشامات

شمارگان: ۵۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول تابستان ۱۳۸۴

نشانی: تهران، خ ظهیرالسلام، خ شهید امید آزادینوا، کوچه یوسف خان حکیم

شماره ۳۵، صندوق پستی: ۱۱۱-۱۱۵۷۵

تلفن: ۳۹۱۴۴۶۰

دورنگار: ۳۹۱۲۸۰۸

Payam-mehrab@yahoo.com

«فهرست مطالب»

۳	مقدمه
۷	داستان رستم و سهراب
۱۷	تولد سهراب
۱۹	تدبیر افراسیاب
۲۲	دژ سفید
۲۵	نبرد گردآفرید و سهراب
۳۴	در اردوی ایران چه خبر؟
۳۷	در زادگاه رستم
۴۳	خشم کاووس
۵۳	حرکت سپاه ایران
۵۴	رفتن رستم به اردوگاه دشمن
۶۳	هجوم سهراب به لشکر ایران
۶۵	نبرد اول
۷۱	دو سوار در لشکرگاه
۷۴	نبرد دوم
۷۸	سومین رزم
۸۷	وصیت سهراب
۹۵	داستان رستم و اسفندیار
۱۰۴	رفتن کتایون نزد اسفندیار
۱۰۷	بهمن به نزد رستم می‌رود
۱۲۳	در سپاه ایران

مقدمه

استاد بزرگ، حکیم ابوالقاسم منصور بن حسن فردوسی طوسی، یکی از درخشنده‌ترین ستارگان آسمان ادب فارسی است. فردوسی، نسخه اصلی شاهنامه را در سال ۴۰۱ - ۴۰۰ هجری آماده کرد تا به دستگاه سلطنت و ریاست سلطان محمود غزنوی تقدیم نماید. اما از ارتکاب این اشتباه خویش، بسیار پشیمان گشت. هنگامی که استاد طوس به غزنین رفت و نتیجه بیش از سی سال زحمت خویش را تقدیم پادشاه غزنوی کرد، مورد توجه و محبت او قرار نگرفته و حتی مورد دشمنی سلطان واقع گردید. علت کینه و دشمنی سلطان غزنوی، بر سر مسائل سیاسی و مذهبی بود.

فردوسی در شاهنامه، بارها بر ترکان تاخته بود؛ در حالی که محمود غزنوی، ترک زاده بود و تحمل دشنام فردوسی به اجداد او برایش دشوار می‌نمود.

بدتر از این، فردوسی شیعه بود و محمود، دشمن و کُشنده و بردار کُشنده شیعیان بود.

محمود غزنوی که عادت داشت با شاعران مدیحه‌گو و خام‌اندیش سروکار داشته باشد و هیچ سخنی غیر از مدح و ستایش خویش نشنود، ناگهان با شاعری روبرو گردید که به مدح خداوند و پیامبر گرامی اسلام و امامان بزرگوار شیعه پرداخته است. این هرگز برای شاه غزنوی، قابل تحمل نبود؛ پس کینه حکیم فردوسی را بر دل گرفت و حربه تکفیر را بر سر او بلند کرد و تهدیدش نمود که به جرم کفر، در زیر پای پیلان ساییده خواهی شد!

اکنون نیز این شاعر بزرگوار، مورد بی مهری نادانان و افراد مغرض قرار گرفته است.

چندگاهی است که ناشران و قلم به دستانی، ناآگاه و یا آگاه که در دل و روح خویش بیماری دارند، به بهانه نشر «قصه شاهنامه» به معرفی این حکیم بزرگ پرداخته و سعی دارند تا بر چهره او نقاب مخالفت با اسلام را سوار سازند.

این عده، غافل از اشعار متعددی که شاعر فرزانه در مدح و ستایش پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) در کتاب خویش آورده است، ابیاتی از او نقل می کنند که در مذمت اعراب بوده و بدین ترتیب او را مخالف اسلام، قلمداد می کنند!!

آیا نمی توان نفرت و بداندیشی فردوسی نسبت به اعراب را، مربوط به ظالمانی که حق علی (ع) و خاندان اهل بیت (ع) را غصب کرده اند دانست؟

آیا خلفای ستمگر عرب که خون مسلمانان واقعی را بر زمین می ریختند، نمی تواند مورد نظر استاد باشد؟
آیا خلیفه ای که در زمان خود فردوسی و در بغداد زندگی می کند و به سلطان غزنوی دستور کشتار تمامی شیعیان را صادر می کند، نمی تواند مورد بی مهری استاد قرار گیرد؟

شاید این نکته به ذهن وارد شود که چرا فردوسی، نامی از این اشخاص نبرده و به طور کلی تمام اعراب را مورد ستیزه قرار داده است؟
آیا او می توانست به طور علنی و آشکارا از ظالمان نام ببرد؟
باید به تاریخ مراجعه کرد و زمان فردوسی را مورد مطالعه قرار داد، تا بتوان بر پندارهای درست و نادرست آگاه گشت.

امیدواریم که این مجموعه - قصه های شاهنامه - باعث آشنایی هر چه بیشتر خوانندگان یا حکیم فردوسی گشته، و ما نیز بتوانیم دین خویش را نسبت به این شاعر مسلمان و وطن دوست، ادا نماییم.

خدا یار تان باد!